

۲۰۹۲۳۴۴

۵۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



متن کامل

مثنوی معنوی

مولانا جلال الدین محمد بلخی

مشهور به مولوی

بر اساس نسخه تصحیح شده نیکلسون

مولوی ، جلال الدین محمد بن محمد ، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق.

مثنوی

مثنوی معنوی مطابق نسخه تصحیح شده نیکلسون مولانا جلال الدین محمد - مولوی ..

قم . - آسمانگون ، ۱۳۹۸

شابک: ۹-۱۱-۷۰۸۶-۶۲۲-۹۷۸

۹۹۲ ص .

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن هفتم قمری . الف . نیکلسون . ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م ، اسم انگلیسی مصحح .

ب. عنوان . ج . - عنوان . مثنوی .

۱۳۸۷ ۸ فا ۱ - ۳۱

۵۲۹۸

۶۳۴ ۳۴ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

مرکز پخش : قم / خیابان سمیه / کوچه ۲۶ / پلاک ۱۹

تلفکس : ۳۷۷۳۴۹۳۹ - ۰۲۵ همراه : ۰۹۱۲۱۵۱۰۴۸۴

مثنوی معنوی

مولف: مولانا جلال الدین محمد بلخی

ناشر: آسمانگون

طرح جلد: استدیو کتاب

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۹۸

چاپخانه: احسان

«حق چاپ برای ناشر محفوظ می باشد.»

فهرست عناوین

دفتر اول

- | | |
|--|--|
| ۴۷ در بیان آن که این اختلاف | ۲۳ زندگی نامه و شرح حال مولانا |
| ۴۸ بیان خسارت وزیر درین مکر | ۳۰ حکایت عاشق شدن پادشاهی بر کنیزکی |
| ۴۹ مکر دیگر انگیختن وزیر در اضلال قوم | ۳۱ ظاهر شدن عجز حکیمان از معالجه‌ی کنیزک |
| ۴۹ دفع گفتن وزیر، مریدان را | ۳۱ به درگاه خدا و خواب دیدن شاه ولی را |
| ۵۰ مکرر کردن مریدان که خلوت را بشکن | ۳۱ از خداوند ولی التوفیق درخواستن |
| ۵۰ جواب گفتن وزیر که خلوت را نمی شکنم | ۳۲ ملاقات پادشاه با آن طبیب الهی که در |
| ۵۰ اعتراض مریدان بر خلوت وزیر | ۳۲ بردن پادشاه آن طبیب را بر سر بیمار |
| ۵۲ نومید کردن وزیر مریدان را | ۳۴ خلوت طلبیدن آن ولی از پادشاه با کنیزک |
| ۵۲ ولی عهد ساختن وزیر هر یک امیر را | ۳۵ دریافتن آن ولی رنج را و عرض کردن |
| ۵۳ کشتن وزیر خویشتن را در خلوت | ۳۵ فرستادن شاه، رسولان به سمرقند |
| ۵۳ طلب کردن ائمت عیسی از امرا | ۳۷ بیان آن که کشتن و زهر دادن مرد زرگر |
| ۵۴ منازعت امرا در ولی عهدی | ۳۸ حکایت مرد بقال و طوطی، و روغن |
| ۵۵ تعظیم نعت مصطفی ﷺ | ۴۰ داستان آن پادشان جهود که نصرانیان |
| ۵۶ حکایت پادشاه جهود | ۴۱ آموختن وزیر، مکر، پادشاه را |
| ۵۷ آتش کردن پادشاه جهود | ۴۱ تلبیس وزیر با نصاری |
| ۵۷ به سخن آمدن طفل | ۴۲ قبول کردن نصاری، مکر وزیر را |
| ۵۸ کژ ماندن دهان آن مرد | ۴۲ متابعت کردن نصارا، وزیر را |
| ۵۹ عتاب کردن آتش را | ۴۳ قصه ی دیدن خلیفه، لیلی را |
| ۶۰ قصه ی باد که در عهد هود علیہ السلام | ۴۴ بیان حسد وزیر |
| ۶۰ طنز و انکار کردن پادشاه جهود | ۴۵ فهم کردن حاذقان نصاری، مکر وزیر را |
| ۶۱ بیان توکل و ترک جهد گفتن | ۴۵ پیغام شاه، پنهان مر وزیر را |
| ۶۲ جواب گفتن شیر نخجیران را | ۴۵ بیان دوا زده سبط از نصاری |
| ۶۲ ترجیح نهادن نخجیران توکل | ۴۵ تخلیط وزیر در احکام انجیل |

- ۶۲ ترجیح نهادن شیر، جهد و ۷۹ تفسیر «رَجَعْنَا مِنْ جِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى
- ۶۲ ترجیح نهادن نخجیران توکل آمدن رسول روم تا عمر ۸۰
- ۶۳ باز ترجیع نهادن شیر جهد را یافتن رسول روم عمر را ۸۱
- ۶۳ باز ترجیع نهادن نخجیران توکل سلام کردن رسول روم امیرالمؤمنین را ۸۱
- ۶۴ نگرستن عزرائیل بر مردی سؤال کردن رسول روم از رضی الله عنه ۸۲
- ۶۴ باز ترجیع نهادن شیر جهد را اضافت کردن آدم عليه السلام آن ذلت را ۸۳
- ۶۵ مقرر شدن ترجیع جهد، بر توکل تفسیر «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ» ۸۴
- ۶۵ انکار کردن نخجیران بر خرگوش سؤال کردن رسول از عمر ۸۵
- ۶۶ جواب خرگوش نخجیران را در سر آن که مَنْ أَرَادَ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ ۸۵
- ۶۶ اعتراض نخجیران بر سخن خرگوش قصه بازرگان که طوطی او را پیغام ۸۶
- ۶۶ جواب خرگوش نخجیران را صفتِ آجنحه‌ی طُیُورِ عُقُولِ الهی ۸۷
- ۶۷ ذکر دانش خرگوش و بیان فضیلت دیدن خواجه طوطیان هندوستان را ۸۷
- ۶۷ باز طلبیدن نخجیران از خرگوش تفسیر قول فرید الدین العطار ۸۸
- ۶۷ منع کردن خرگوش راز را از ایشان تعظیم ساحران مر موسی را ۸۸
- ۶۸ قصه‌ی مکر خرگوش باز گفتن بازرگان با طوطی ۹۰
- ۶۹ ز یافتِ تاویل رکیک مگس شنیدن آن طوطی، حرکت آن طوطیان ۹۱
- ۶۹ تولیدن شیر از دیر آمدن خرگوش به هر چه از راه و امانی ۹۴
- ۷۰ هم در بیان مکر خرگوش رجوع به حکایت خواجه تاجر ۹۵
- ۷۱ آمدن خرگوش نزد شیر و خشم شیر برون انداختن مرد تاجر طوطی را ۹۶
- ۷۱ عذر گفتن خرگوش وداع کردن طوطی خواجه را ۹۷
- ۷۲ جواب گفتن شیر خرگوش را و مَضَرَّتِ تعظیم خلق و انگشت نمای شدن ۹۷
- ۷۳ قصه‌ی هُدهُد و سلیمان تفسیر «مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ» ۹۸
- ۷۴ طعنه‌ی زاغ در دعوی هدهد داستان پیر جنگی ۹۹
- ۷۴ جواب گفتن هدهد طعنه‌ی زاغ را در بیان این حدیث کی «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي
- ۷۴ قصه‌ی آدم عليه السلام، و بستن قضا قصه‌ی سؤال کردن عایشه ۱۰۲
- ۷۵ پای واپس کشیدن خرگوش تفسیر بیت حکیم ۱۰۳
- ۷۷ پرسیدن شیر از سبب در معنی این حدیث که «إِغْتَنِمُوا
- ۷۷ نظر کردن شیر در چاه و پرسیدن صدیقه رضی الله ۱۰۴
- ۷۸ مژده بردن خرگوش سوی نخجیران بقیه‌ی قصه‌ی پیر چنگی و ۱۰۵
- ۷۹ جمع شدن نخجیران گرد خرگوش و در خواب گفتن هاتف مر عمر را ۱۰۶

۱۳۲	مَثَلِ عرب: «إِذَا زَنَيْتَ	۱۰۶	نالیدن ستون حنّانه
۱۳۳	سپردن عرب هدیه را.	۱۰۸	اظهار معجزه‌ی پیامبر
۱۳۳	حکایت ماجرای نحوی و کشتیان	۱۰۸	بقیه‌ی قصه‌ی مطرب، و
۱۳۴	قبول کردن خلیفه هدیه را و	۱۱۰	گردانیدن عمر
۱۳۷	در صفت پیر و مطاوعت وی	۱۱۰	تفسیر دعای آن دو فرشته که
۱۳۸	وصیت کردن رسول «ص» مر علی را	۱۱۱	قصه‌ی خلیفه که در کَرَم
۱۳۹	کبودی زدن قزوینی بر	۱۱۲	قصه‌ی اعرابی درویش و
۱۴۰	رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر	۱۱۲	مغرور شدن مریدان محتاج
۱۴۱	امتحان کردن شیر گرگ را	۱۱۳	در بیان آن که نادر افتد که
۱۴۱	قصه‌ی آنکه کی در یاری بکوفت	۱۱۳	صبر فرمودن اعرابی زن را و
۱۴۲	صفت توحید	۱۱۴	نصیحت کردن زن مر شوی را
۱۴۳	ادب کردن شیر گرگ را	۱۱۵	نصیحت کردن مرد مر زن را
۱۴۴	تهدید کردن نوح علیه السلام مرقوم را	۱۱۶	در بیان آن که: جنبیدن هر کسی از
۱۴۵	نشان دادن پادشاهان صوفیان عارف را	۱۱۷	مراعات کردن زن شوهر را و
۱۴۵	آمدن مهمان پیش یوسف علیه السلام	۱۱۸	در بیان این خبر که «أَنَّهُنَّ يَغْلِبْنَ
۱۴۶	گفتن مهمان یوسف علیه السلام را	۱۱۹	تسلیم کردن مرد خود را
۱۴۸	مُرُتد شدن کاتب وحی به	۱۱۹	در بیان آن که موسی و فرعون
۱۵۰	دعا کردن بَلَعَمِ باعور	۱۲۰	سبب حرمان اشقیا از دو
۱۵۱	اعتماد کردن هاروت و ماروت بر	۱۲۱	حقیر و بی خصم دیدن دیدهای حس
۱۵۲	باقی قصه‌ی هاروت و ماروت و	۱۲۳	در معنی آن که: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ
۱۵۲	به عیادت رفتن کر بر همسایه‌ای	۱۲۵	در معنی آنکه آنچه ولی
۱۵۴	اول کسی که در مقابله‌ی نص قیاس	۱۲۵	مَخْلَصَ ماجرای عرب و جفت او
۱۵۵	در بیان آن که حال خود و مستی	۱۲۶	دل نهادن عرب بر التماس دلبر
۱۵۶	قصه‌ی مری کردن رومیان و چینیان	۱۲۸	تعیین کردن زن طریق طلب روزی
۱۵۷	پرسیدن پیغمبر صلی الله علیه و آله ، مر زید را	۱۲۸	هدیه بردن عرب سبوی آب باران از
۱۶۰	مَتَمِّم کردن غلامان و خواجه تاشان	۱۲۹	در نمد دوختن زن عرب سبوی
۱۶۱	بقیه‌ی قصه‌ی زید در جواب	۱۳۰	در بیان آن که: چنانکه گدا عاشق
۱۶۳	گفتن پیغمبر صلی الله علیه و آله مر زید را	۱۳۰	فرق میان آن که درویش است به خدا
۱۶۳	رجوع به حکایت زید	۱۳۱	پیش آمدن نقیبان و دربانان خلیفه از
۱۶۴	آتش افکندن در شهر به ایام عمر	۱۳۲	در بیان آن که: عاشق دنیا بر

- خدا و انداختن خصم در روی ۱۶۵
- سوال کردن آن کافر از علی ۱۶۷
- جواب گفتن امیرالمؤمنین ۱۶۷
- گفتن پیغمبر ﷺ، به گوش رکاب دار ۱۶۹
- تعجب کردن آدم ﷺ، از ضلالت ابلیس ... ۱۷۱
- بازگشتن به حکایت علی کرم الله وجهه ... ۱۷۲
- آمدن رکابدار هر باری پیش امیرالمؤمنین .. ۱۷۳
- بیان آن که فتح طلبیدن مصطفی ﷺ مکّه را. ۱۷۳
- گفتن امیر المؤمنین علی کرم الله ۱۷۴
- دفتر دوم**
- هلال پنداشتن آن شخص را در عهد عمر ... ۱۸۳
- دردیدن مارگیر، ماری را از مارگیری دیگر. ۱۸۴
- التماس کردن همراه عیسی ﷺ ۱۸۴
- اندرز کردن صوفی خادم را ۱۸۵
- حکایت مشورت کردن خدای تعالی در ۱۸۵
- بسته شدنِ تفریر معنی حکایت به ۱۸۶
- الترام کردن خادم تعهد بهیمة را و ۱۸۶
- گمان بردن کاروانیان که بهیمة ی صوفی ۱۸۸
- یافتن پادشاه باز را به خانۀ ی ۱۹۰
- حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه جهت ... ۱۹۲
- ترسانیدن شخصی زاهد را که کم گری ۱۹۵
- تمامی قصه ی زنده شدن استخوان ها به ۱۹۵
- خاریدن روستایی در تاریکی شیر را ۱۹۷
- فروختن صوفیان بهیمة ی مسافر را ۱۹۷
- تعریف کردن مُنادیان قاضی ۱۹۹
- شکایت کردن اهل زندان پیش وکیل ۲۰۰
- تتمه ی قصه ی مُفلس ۲۰۲
- مئل ۲۰۵
- ملامت کردنِ مردم شخصی را که مادرش را . ۲۰۶
- امتحانِ پادشاه به آن دو غلام که ۲۰۸
- به راه کردنِ شاه یکی را از آن دو ۲۰۹
- قَسَم غلام در صدق و وفای یارِ خود ۲۱۱
- حسد کردنِ حَسَم بر غلامِ خاص ۲۱۵
- گرفتار شدن باز میان جفدان به ویرانه ۲۱۸
- کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار ۲۲۰
- فرمودن والی آن مرد را که این خار ۲۲۱
- آمدنِ دوستان به بیمارستان جهتِ پرسش .. ۲۲۷
- فهم کردنِ مُریدان که ذوالفنون دیوانه ۲۲۸
- رجوع به حکایت ذو النون ۲۲۹
- امتحان کردنِ خواجه ی لقمان زیرکی ۲۳۰
- ظاهر شدن فضل و زیرکی لقمان ۲۳۱
- تتمه ی حسدِ آن حشم بر آن غلام ۲۳۳
- عکسِ تعظیمِ پیغام سلیمان ﷺ ۲۳۴
- انکارِ فلسفی بر قرائتِ اِنْ أَصْبَحَ ۲۳۶
- انکار کردنِ موسی ﷺ، بر مناجات شبان ... ۲۳۹
- عتاب کردنِ حقّ تعالی، موسی ﷺ ۲۴۰
- وحی آمدن موسی ﷺ را، در عذرِ آن شُبّان . ۲۴۰
- پرسیدن موسی ﷺ از حقّ تعالی سرّ ۲۴۲
- رنجانیدن امیری خفته ای را که مار ۲۴۴
- اعتماد کردن بر تملّق و وفای خرس ۲۴۶
- گفتن ناینای سائل که دو کوری دارم ۲۴۸
- تتمه ی حکایت خرس و آن ابله که بر ۲۴۹
- گفتن موسی ﷺ، گوساله پرست را ۲۵۰
- ترک گفتنِ آن مردِ ناصح بعد از ۲۵۱
- تملّق کردنِ دیوانه جالینوس را ۲۵۲
- سبب پریدن و چریدنِ مرغی با ۲۵۲
- تتمه ی اعتمادِ آن مغرور بر تملّق خرس ... ۲۵۳
- رفتنِ مصطفی ﷺ، به عیادتِ صحابی رنجور ۲۵۳

۲۸۰	اندیشیدن یکی از صحابه	۲۵۴	وحی کردن حق تعالی، به موسی علیه السلام ۷
۲۸۱	قصه ی آن شخص که اشتر ضالّه ی	۲۵۴	تنها کردن باغبان صوفی و
۲۸۲	متردد شدن در میان مذهب های مخالف	۲۵۶	رجعت به قصه ی مریض و عیادت
۲۸۲	امتحان هر چیزی تا ظاهر شود	۲۵۶	گفتن شیخی ابو یزید را که کعبه منم
۲۸۳	شرح فایده ی حکایت آن شخص	۲۵۷	حکایت
۲۸۵	بیان آن که در هر نفسی فتنه ی	۲۵۸	دانستن پیغمبر صلی الله علیه و آله که سبب رنجوری
۲۸۵	حکایت هندو که با یار خود جنگ می کرد	۲۶۰	عذر گفتن دلک با سید اجل
۲۸۶	قصد کردن خُزان به کشتن یک مردی	۲۶۱	به حیلَت در سخن آوردن سائل
۲۸۷	بیان حال خودپرستان و ناشکران	۲۶۱	حمله بردن سگ بر کور گدا
۲۸۸	شکایت گفتن پیر مردی به طبیب	۲۶۲	خواندن محاسب مست خراب افتاده را
۲۸۹	قصه ی جوحی و آن کودک	۲۶۳	دوم بار در سخن کشیدن سایل
۲۸۹	کودکی در پیش تابوت پدر	۲۶۵	تتمه ی نصیحت رسول صلی الله علیه و آله ، بیمار را
۲۹۰	ترسیدن کودک از آن شخص صاحب جثه	۲۶۸	وصیت کردن پیغمبر صلی الله علیه و آله مر آن بیمار
۲۹۰	قصه ی تیر اندازی و ترسیدن او	۲۷۰	بیدار کردن ابلیس معاویه را
۲۹۱	قصه ی اعرابی و ریگ در جوال کردن	۲۷۰	از خر افکندن ابلیس معاویه را
۲۹۲	کرامات ابراهیم آدهم بر لب دریا	۲۷۰	باز جواب گفتن ابلیس معاویه را
۲۹۳	آغاز منور شدن عارف به نور نطق بین	۲۷۲	باز تقریر کردن معاویه با ابلیس
۲۹۵	طعنه زدن بیگانه ای در شیخ	۲۷۲	باز جواب گفتن ابلیس معاویه را
۲۹۶	بقیه ی قصه ی ابراهیم آدهم	۲۷۳	عُنف کردن معاویه با ابلیس
۲۹۷	دعوی کردن آن شخص	۲۷۳	نالیدن معاویه به حضرت حق تعالی
۲۹۹	بقیه ی قصه طعنه زدن	۲۷۴	باز تقریر ابلیس، تلبیس خود را
۳۰۰	گفتن عایشه	۲۷۴	باز الحاح کردن معاویه ابلیس را
۳۰۰	کشیدن موش مهار شتر را	۲۷۵	شکایت قاضی از آفت قضا
۳۰۲	کرامات آن درویش	۲۷۵	به اقرار آوردن معاویه ابلیس را
۳۰۳	تشنیع صوفیان بر آن صوفی	۲۷۶	راست گفتن ابلیس ضمیر خود را
۳۰۳	عذر گفتن فقیر به شیخ	۲۷۶	فضیلت حسرت خوردن آن مخلص
۳۰۵	بیان دعویی که عین آن دعوی	۲۷۶	تتمه ی اقرار ابلیس به معاویه
۳۰۶	سجده کردن یحیی علیه السلام	۲۷۷	فوت شدن دزد به آواز دادن آن شخص
۳۰۶	اشکال آوردن بر این قصه	۲۷۸	قصه ی منافقان و مسجد ضرار
۳۰۶	جواب اشکال	۲۷۹	فریفتن منافقان پیغمبر را

- ۳۴۴ ایمن بودن بَلَعَم باعور
- ۳۴۵ دعوی طاووسی کردن آن شغال
- ۳۴۵ تشبیه فرعون و دعوی الوهیت
- ۳۴۵ تفسیر «وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ»
- ۳۴۶ قصه‌ی هاروت و ماروت
- ۳۴۷ قصه‌ی خواب دیدن فرعون
- ۳۴۸ به میدان خواندن بنی اسرائیل
- ۳۴۸ حکایت
- ۳۴۹ بازگشتن فرعون از میدان به شهر
- ۳۴۹ جمع آمدن عمران به مادر موسی
- ۳۴۹ وصیت کردن عمران جفت خود را
- ۳۵۰ ترسیدن فرعون از آن بانگ
- ۳۵۰ پیدا شدن ستاره موسی علیه السلام
- ۳۵۱ خواندن فرعون زنان نوزاده را
- ۳۵۲ به وجود آمدن موسی
- ۳۵۲ وحی آمدن به مادر موسی علیه السلام
- ۳۵۳ حکایت مارگیر
- ۳۵۶ تهدید کردن فرعون موسی علیه السلام را
- ۳۵۶ جواب موسی علیه السلام فرعون را
- ۳۵۶ پاسخ فرعون موسی علیه السلام را
- ۳۵۷ جواب موسی علیه السلام فرعون را
- ۳۵۷ جواب فرعون موسی علیه السلام را
- ۳۵۷ مهلت دادن موسی علیه السلام
- ۳۵۹ فرستادن فرعون به مداین
- ۳۶۰ خواندن آن دو ساحر پدر را
- ۳۶۰ جواب گفتن ساحر مرده
- ۳۶۱ تشبیه کردن قرآن مجید
- ۳۶۲ جمع آمدن ساحران
- ۳۶۳ اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل
- ۳۶۶ توفیق میان این دو حدیث
- ۳۰۷ سخن گفتن به زبان حال
- ۳۰۷ پذیرا آمدن سخن باطل
- ۳۰۸ جُستنی آن درخت
- ۳۰۸ شرح کردن شیخ سر
- ۳۰۹ منازعت چهار کس جهت انگور
- ۳۱۰ برخاستن مخالفت و عداوت
- ۳۱۲ قصه‌ی بَط بجگان که مرغ خانگی
- ۳۱۳ حیران شدن حاجیان در کرامات
- دَفْتَرِ سَوَم
- ۳۲۰ قصه‌ی خورندگان پیل بچه
- ۳۲۱ بقیه‌ی قصه‌ی متعرضان پیل بجگان
- ۳۲۲ بازگشتن به حکایت پیل
- ۳۲۴ بیان آن که خطای مُحَبَّان
- ۳۲۴ امر حق به موسی علیه السلام
- ۳۲۴ بیان آن که الله گفتن نیازمند
- ۳۲۶ فریفتن روستایی شهری را
- ۳۲۸ قصه‌ی اهل سَبَا
- ۳۲۸ جمع آمدن اهل آفت
- ۳۳۰ باقی قصه‌ی اهل سَبَا
- ۳۳۲ بقیه‌ی داستان رفتن خواجه
- ۳۳۳ دعوت باز، بَطآن را از آب به صحرا
- ۳۳۴ قصه‌ی اهل ضُرّوان و حيله کردن ایشان
- ۳۳۵ روان شدن خواجه به سوی ده
- ۳۳۶ رفتن خواجه و قومش به سوی ده
- ۳۳۸ نواختن مجنون آن سگ را
- ۳۳۹ رسیدن خواجه و قومش به ده
- ۳۴۳ افتادن شغال در خُم رنگ
- ۳۴۳ چرب کردن مرد لاف‌ی لب و سبلت

- ۳۸۵ قصه خواندن شیخ ضریر مُصحف
- ۳۸۵ صبر کردن لقمان علیه السلام
- ۳۸۵ بقیه‌ی حکایت نابینا و مُصحف
- ۳۸۶ صفت بعضی اولیا که راضی‌اند
- ۳۸۶ سؤال کردن بهلول آن درویش را
- ۳۸۸ قصه‌ی دُقوقی و کراماتش
- ۳۸۹ بازگشتن به قصه‌ی دُقوقی
- ۳۸۹ سرّ طلب کردن موسی خضر راعلیهما السلام
- ۳۹۰ بازگشتن به قصه‌ی دُقوقی
- ۳۹۰ نمودن مثال هفت شمع سوی ساحل
- ۳۹۰ شدن آن هفت شمع بر مثال یک شمع
- ۳۹۱ نمودن آن شمع‌ها در نظر، هفت مرد
- ۳۹۱ مخفی بودن آن درختان از چشم خلق
- ۳۹۲ یک درخت شدن آن هفت درخت
- ۳۹۳ هفت مرد شدن آن هفت درخت
- ۳۹۴ پیش رفتن دقوقی به امامت
- ۳۹۵ پیش رفتن دقوقی به امامت آن قوم
- ۳۹۶ اقتدا کردن قوم از پس دقوقی
- ۳۹۷ بیان اشارت سلام سوی دست راست
- ۳۹۷ از انبیا استعانت و شفاعت خواستن
- ۳۹۷ شنیدن دقوقی در میان نماز
- ۳۹۸ تصوّرات مرد حازم
- ۳۹۸ دعا و شفاعت دقوقی در خلاص کشتی
- ۴۰۱ انکار کردن آن جماعت بر دعا و شفاعت
- ۴۰۲ باز شرح کردن حکایت آن طالب روزی
- ۴۰۲ رفتن هر دو خصم نزد داوود پیغامبر علیه السلام
- ۴۰۴ شنیدن داوود علیه السلام سخن هر دو خصم
- ۴۰۵ حکم کردن داوود علیه السلام بر کشته‌ی گاو
- ۴۰۵ تضرّع آن شخص از داوود علیه السلام
- ۴۰۶ در خلوت رفتن داوود علیه السلام
- ۳۶۷ مَثَل در بیان
- ۳۶۷ حکایت
- ۳۶۸ داستان مشغول شدن عاشقی به عشق
- ۳۷۰ حکایت آن شخص
- ۳۷۱ دویدن گاو در خانه‌ی
- ۳۷۱ عذر گفتن نظم کننده و مدد خواستن
- ۳۷۲ بیان آن که: علم را دو پر است
- ۳۷۲ مثال رنجور شدن آدمی
- ۳۷۳ عقول خلق متفاوت است
- ۳۷۳ در وهم افکندن کودکان استاد را
- ۳۷۴ بیمار شدن فرعون
- ۳۷۴ رنجور شدن استاد به وهم
- ۳۷۵ در جامه‌ی خواب افتادن استاد
- ۳۷۵ دوم بار در وهم افکندن کودکان
- ۳۷۵ خلاص یافتن کودکان از مکتب بدین مکر
- ۳۷۶ رفتن مادران کودکان به عیادت اوستاد
- ۳۷۶ در بیان آن که تن روح
- ۳۷۶ حکایت آن درویش که در کوه خلوت
- ۳۷۷ دیدن زرگر عاقبت کار را
- ۳۷۷ بقیه‌ی قصه‌ی آن زاهد کوهی
- ۳۷۸ تشبیه بند و دام قضا
- ۳۷۹ مضطرب شدن فقیر نذر کرده
- ۳۷۹ مَتهم کردن آن شیخ را با دزدان
- ۳۸۰ کرامات شیخ اقطع و زنبیل بافتن
- ۳۸۰ سبب جرأت ساحران فرعون
- ۳۸۱ شکایت استر پیش شتر
- ۳۸۲ اجتماع اجزای خر عَزیر علیه السلام
- ۳۸۲ مرگ شدن پیش چشم عزیز علیه السلام
- ۳۸۲ جَزَع ناکردن شیخی بر مرگ فرزندان
- ۳۸۳ عذر گفتن شیخ بهر ناگریستن

- ۴۲۸ بیان آن که حق تعالی صورت ملوک را.
- ۴۲۸ قصه ی عشق صوفی بر سفره ی تهی.
- ۴۲۹ مخصوص بودن یعقوب علیّه به چشیدن جام.
- ۴۳۰ حکایت امیر و غلامش.
- ۴۳۱ نوید شدن انبیا علیّه از قبول و پذیرایی.
- ۴۳۱ بیان آن که ایمان مقلد خوف است.
- ۴۳۲ بیان آن که رسول ﷺ فرمود:
- ۴۳۲ حکایت مندیل در تنور پر آتش.
- ۴۳۳ قصه ی فریاد رسیدن رسول ﷺ.
- ۴۳۴ مشک آن غلام از غیب.
- ۴۳۴ دیدن خواجه غلام را.
- ۴۳۵ بیان آن حق تعالی هر چه داد.
- ۴۳۶ آمدن آن زن کافر با طفل شیر خواره.
- ۴۳۷ ربودن عقاب موزه ی مصطفی علیه السلام.
- ۴۳۷ وجه عبرت گرفتن از این حکایت.
- ۴۳۸ استدعای آن مرد از موسی.
- ۴۳۹ وحی آمدن از حق تعالی به موسی.
- ۴۳۹ قانع شدن آن طالب به تعلیم زبان.
- ۴۳۹ جواب خروس، سگ را.
- ۴۴۰ خجل گشتن خروس پیش سگ.
- ۴۴۱ خبر کردن خروس از مرگ خواجه.
- ۴۴۲ دیدن آن شخص به سوی موسی.
- ۴۴۲ دعا کردن موسی علیّه آن شخص را.
- ۴۴۲ اجابت کردن حق تعالی موسی را.
- ۴۴۳ حکایت آن زنی که فرزندش نم، زیست.
- ۴۴۴ در آمدن حمزه رضی الله عنه در جنگ.
- ۴۴۴ جواب حمزه مر خلق را.
- ۴۴۶ حيله ی دفع مغبون شدن در ینع و یرا.
- ۴۴۷ وفات یافتن بلال رضی الله عنه.
- ۴۴۸ حکمت ویران شدن تن به مرگ.
- ۴۰۶ حکم کردن داوود بر صاحب گاوکی.
- ۴۰۶ حکم کردن داوود علیّه بر صاحب گاو.
- ۴۰۷ عزم کردن داوود علیّه به خواندن خلق.
- ۴۰۷ گواهی دادن دست و پا و زبان.
- ۴۰۸ برون رفت خلق به سوی آن درخت.
- ۴۰۹ قصاص فرمودن داوود علیّه.
- ۴۰۹ بیان آن که نفس آدمی.
- ۴۱۲ گریختن عیسی علیّه ۷، فراز کوه.
- ۴۱۳ قصه ی اهل سبا و حماقت ایشان.
- ۴۱۴ شرح آن کورِ دور بین.
- ۴۱۵ صفت خرّمی شهر اهل سبا.
- ۴۱۵ آمدن پیغمبران از حق.
- ۴۱۷ معجزه خواستن قوم از پیغمبران.
- ۴۱۷ متهم داشتن قوم، انبیا را.
- ۴۱۸ حکایت خرگوشان که خرگوشی را.
- ۴۱۸ جواب گفتن انبیا طعن ایشان را.
- ۴۱۹ بیان آن که هر کس را نرسد.
- ۴۲۰ مثل ها زدن قوم نوح به استهزا.
- ۴۲۰ حکایت آن دزد که می پرسیدندش که.
- ۴۲۰ جواب آن مثل که منکران گفتند.
- ۴۲۲ معنی حزم و مثالی مردِ حازم.
- ۴۲۲ وخامت کار آن مرغ.
- ۴۲۳ حکایت نذر کردن سگان.
- ۴۲۴ منع کردن منکران انبیا علیّه.
- ۴۲۴ جواب انبیا علیّه مر جبریان را.
- ۴۲۴ مکرر کردن کافران حجت های جبریانه را.
- ۴۲۵ باز جواب انبیا علیّه ایشان را.
- ۴۲۶ مکرر کردن قوم اعتراض تر جیه.
- ۴۲۶ باز جواب انبیا علیّه.
- ۴۲۷ حکمت آفریدن دوزخ آن جهان.

- ۴۷۲ عذر گفتنِ کدبانو با نخود
- ۴۷۳ باقی قصه‌ی مهمانِ آن مسجد
- ۴۷۳ ذکر خیالِ بد ادیشیدنِ قاصر فهمان
- ۴۷۴ تفسیر این خبر مصطفی - علیه السلام
- ۴۷۴ بیان آن که: رفتنِ انبیا و
- ۴۷۵ تشبیه صورت اولیا و صورت کلام
- ۴۷۵ تفسیر «یا جبالُ اُوبی معهُ
- ۴۷۶ جواب طعنه زنده در مثنوی
- ۴۷۶ مثل زدن در رمیدنِ کوهی اسب
- ۴۷۷ بقیه‌ی ذکر آن مهمانِ مسجد
- ۴۷۷ تفسیر آیت وَ أَجْلِبْ عَلَیْهِمْ
- ۴۷۸ رسیدن بانگِ طلسمی
- ۴۷۹ ملاقات آن عاشق با صدر جهان
- ۴۸۱ جذب هر عنصری جنس خود را
- ۴۸۱ مُنجذب شدنِ جان نیز به عالم ارواح
- ۴۸۲ فسخ عزایم و نقضها، جهت با خبر
- ۴۸۳ نظر کردن پیغمبر ﷺ به اسیران
- ۴۸۳ تفسیر این آیت که: اِنْ تَسْتَفْتِحُوا
- ۴۸۴ سرّ آن که بی مراد بازگشتن
- ۴۸۴ تفسیر این خبر که مصطفی علیه السلام
- ۴۸۵ آگاه شدن پیغمبر از طعن ایشان
- ۴۸۶ بیان آن که طاغی در عین قاهری
- ۴۸۷ جذب معشوق عاشق را مِنْ حَيْثُ لَا
- ۴۸۸ داد خواستی پشه از باد
- ۴۸۹ امر کردن سلیمان ﷺ پشه‌ی متظلم را
- ۴۹۰ نواختن معشوق عاشق بیهوش را
- ۴۹۱ با خویش آمدنِ عاشق بیهوش و
- ۴۹۳ حکایت عاشقی، دراز هجرانی
- ۴۹۴ یافتن عاشق معشوق را
- ۴۴۸ تشبیه دنیا که به ظاهر فراخ است
- ۴۴۹ بیان آن که هر چه غفلت و غم
- ۴۵۰ تشبیه نصّ با قیاس
- ۴۵۰ آدابُ المُستمعینَ وَ المُريدینَ
- ۴۵۱ شناخت هر حیوانی بویِ عدوّ خود را
- ۴۵۲ فرق میان دانستن چیزی
- ۴۵۲ جمع و توفیق میان نفی و اثبات
- ۴۵۳ مسئله‌ی فنا و بقای درویش
- ۴۵۳ قصه‌ی وکیلِ صدرِ جهان
- ۴۵۴ پیدا شدن روحِ القدوس
- ۴۵۶ گفتن روحِ القدس مریم را
- ۴۵۷ عزم کردنِ آن وکیل از عشق
- ۴۵۸ پرسیدن معشوقی از عاشقِ غریب
- ۴۵۸ منع کردن دوستان او را
- ۴۵۹ لا ابالی گفتن عاشق
- ۴۶۰ رو نهادن آن بنده‌ی عاشق
- ۴۶۰ درآمدن آن عاشق لا ابالی در بخارا
- ۴۶۱ جواب گفتن عاشق عاذلان را
- ۴۶۲ رسیدن آن عاشق به معشوق خویش
- ۴۶۲ صفت آن مسجد که عاشق کُش بود
- ۴۶۳ مهمان آمدن در آن مسجد
- ۴۶۳ ملامت کردن اهل مسجد
- ۴۶۳ جواب گفتن عاشق عاذلان را
- ۴۶۴ عشق جالینوس بر این حیات دنیا
- ۴۶۵ دیگر باره ملامت کردن اهل مسجد
- ۴۶۶ گفتن شیطان قریش را که
- ۴۶۸ مکرّر کردن عاذلان پند را
- ۴۶۸ جواب گفتن مهمان ایشان را
- ۴۷۱ تمثیل گریختنِ مؤمن و بی صبری
- ۴۷۲ تمثیل صابر شدن مؤمن

دفتر چهارم

- ۵۲۶ حکایت آن مرد تشنه
- ۵۲۸ تهدید فرستادن سلیمان علیه السلام
- ۵۲۹ پیدا کردن سلیمان علیه السلام
- ۵۲۹ باقی قصه‌ی ابراهیم ادهم قدس الله
- ۵۳۰ بقیه‌ی قصه‌ی اهل سبا
- ۵۳۱ آزاد شدن بلقیس از ملک و
- ۵۳۲ چاره کردن سلیمان علیه السلام در احضار
- ۵۳۳ قصه‌ی یاری خواستن حلیمه از بُنان
- ۵۳۳ حکایت آن پیر عرب
- ۵۳۵ خبر یافتن جد مصطفی عبدالمطلب از
- ۵۳۷ نشان خواستن عبدالمطلب از موضع
- ۵۳۷ بقیه‌ی قصه‌ی دعوت رحمت بلقیس را
- ۵۳۷ مثل قانع شدن آدمی به دنیا
- ۵۴۰ بقیه‌ی قصه‌ی عمارت کردن سلیمان علیه السلام
- ۵۴۱ قصه‌ی شاعر و صیله دادن شاه
- ۵۴۲ باز آمدن آن شاعر بعد چند سال
- ۵۴۴ مانستین بدرایی این وزیرِ دون در
- ۵۴۵ نشستن دیو بر مقام سلیمان علیه السلام
- ۵۴۶ در آمدن سلیمان علیه السلام هر روز
- ۵۴۷ آموختن پیشه‌ی گورکنی، قایل از
- ۵۴۹ قصه‌ی صوفی که در میان گلستان
- ۵۴۹ قصه‌ی رُستن خُروب در گوشه‌ی
- ۵۵۱ بیان آن که حصول علم و
- ۵۵۲ تفسیر یا ایُّها النُّرَّمْلُ
- ۵۵۳ در بیان آن که: تَرَكَ الْجَوَابِ
- ۵۵۴ در تفسیر این حدیث مصطفی علیه السلام که
- ۵۵۵ در تفسیر این آیت که وَ أَمَّا الَّذِينَ فِی
- ۵۵۵ چالیش عقل با نفس، همچون تنازع
- ۵۵۶ نوشتن آن غلام قصه‌ی شکایت
- ۵۵۷ حکایت آن فقیه با دستارِ بزرگ و
- ۵۰۰ تمامی حکایت آن عاشق
- ۵۰۱ حکایت آن واعظ
- ۵۰۳ سنوال کردن از عیسی علیه السلام که در
- ۵۰۳ قصه‌ی خیانت کردن عاشق، و
- ۵۰۴ قصه‌ی آن صوفی که زن خود را
- ۵۰۵ معشوق را زیر چادر پنهان کردن
- ۵۰۶ گفتن زن که او در بندِ جهاز
- ۵۰۶ غرض از سمیع و بصیر گفتن خدا را
- ۵۰۷ مثال دنیا چون گولخن و
- ۵۰۸ قصه‌ی آن دباغ که در بازار
- ۵۰۹ معالجه کردن برادرِ دباغ را
- ۵۱۰ عذر خواستن آن عاشق از گناه خویش
- ۵۱۰ رد کردن معشوقه عذر عاشق را
- ۵۱۱ گفتن آن جهود علی را کرم الله
- ۵۱۳ قصه‌ی مسجد اقصی و خُروب
- ۵۱۳ شرح إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ
- ۵۱۶ بقیه‌ی قصه‌ی بنای مجسد اقصی
- ۵۱۶ قصه‌ی آغاز خلافت عثمان رضی الله
- ۵۱۸ در بیان آن که حکما گویند آدمی
- ۵۱۸ تفسیر این حدیث که: مَثَلُ أُمَّتِی
- ۵۱۹ قصه‌ی هدیه فرستادن بلقیس
- ۵۲۰ کرامات و نورِ شیخ عبدالله مغربی
- ۵۲۱ باز گردانیدن سلیمان علیه السلام رسولانِ بلقیس را
- ۵۲۱ قصه‌ی عطاری که سنگ ترازوی او
- ۵۲۳ دنداناری کردن و نواختن سلیمان علیه السلام
- ۵۲۴ دیدن درویش جماعت مشایخ را
- ۵۲۴ نیت کردن او که این زر بدهم
- ۵۲۵ تحریض سلیمان علیه السلام مر رسولان را
- ۵۲۵ سبب هجرت ابراهیم ادهم قدس الله

- ۵۵۷ نصیحتِ دنیا اهلِ دنیا را
- ۵۵۹ بیان آن که عارف را غذایی است از
- ۵۶۰ تفسیر «أَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ»
- ۵۶۱ زجرِ مدعی از دعوی و امر
- ۵۶۲ بقیه‌ی قصه نوشتنِ آن غلام
- ۵۶۳ حکایت آن مدّاح که از جهت ناموش
- ۵۶۵ دریافتنِ طبیبانِ الهی امراض
- ۵۶۵ مژده دادن ابو یزید از زادن
- ۵۶۷ نقصانِ اجرایِ جان و دل صوفی
- ۵۶۸ آشفتنِ آن غلام از نارسیدن جواب
- ۵۶۸ کز وزیدنِ باد بر سلیمان علیه السلام
- ۵۶۹ شنیدنِ شیخ ابوالحسن رحمته الله
- ۵۷۰ رقصه‌ی دیگر نوشتنِ آن غلام پیش شاه
- ۵۷۱ قصه‌ی آن که کسی به کسی مشورت می‌کرد
- ۵۷۲ امیر کردن رسول صلی الله علیه و آله جوانِ هُدیلی را
- ۵۷۳ اعتراض کردن معتزلی بر رسول صلی الله علیه و آله
- ۵۷۵ جواب گفتنِ مصطفی صلی الله علیه و آله اعتراض کننده را
- ۵۷۶ قصه‌ی «سبحانی ما أعظم شأنی»
- ۵۷۸ بیانِ سببِ فصاحت و بسیار گویی
- ۵۷۸ بیان رسول صلی الله علیه و آله سببِ تفضیل و
- ۵۷۹ علامتِ عاقلِ تمام و علامتِ
- ۵۷۹ قصه‌ی آن آبگیر و صیّادان و
- ۵۸۰ سر خواندنِ وضو کننده
- ۵۸۰ شخصی به وقت استنجا می‌گفت: «اللّهُمَّ ...»
- ۵۸۱ قصه‌ی آن مرغِ گرفته که
- ۵۸۲ چاره اندیشیدنِ آن ماهی نیم عاقل و
- ۵۸۳ بیان آن که عهد کردنِ احمق
- ۵۸۳ در بیان آن که وهمِ قلبِ عقل
- ۵۸۵ بیان آن که عمارت در ویرانی
- ۵۸۶ بیان آن که هر حسّ مُدرکی را
- ۵۸۸ حمله بردنِ این جهانیان بر
- ۵۸۹ بیان آن که تنِ خاکی آدمی
- ۵۹۰ باز گفتنِ موسی علیه السلام اسرارِ فرعون را
- ۵۹۱ بیان آن که در توبه باز است
- ۵۹۱ گفتنِ موسی علیه السلام فرعون را
- ۵۹۲ شرح کردنِ موسی ۷ آن چار
- ۵۹۲ تفسیر کُنْتُ كَنَزاً مَخْفِئاً
- ۵۹۳ غره شدنِ آدمی به ذکاوت و
- ۵۹۳ بیان این خبر که: كَلِّمُوا النَّاسَ
- ۵۹۴ قوله صلی الله علیه و آله: مَنْ بَشَّرَنِي
- ۵۹۴ مشورت کردنِ فرعون با ایسیه
- ۵۹۵ قصه‌ی باز پادشاه و کمپیر زن
- ۵۹۶ قصه‌ی آن زن کی طفل او بر سر
- ۵۹۹ مشورت کردنِ فرعون با وزیرش
- ۵۹۹ تزییفِ سخنِ هامان، علیه اللعنة
- ۶۰۰ نوید شدنِ موسی علیه السلام از ایمان
- ۶۰۱ منازعتِ امیران عرب با مصطفی صلی الله علیه و آله
- ۶۰۲ در بیان آن که شناسایِ قدرتِ
- ۶۰۳ جوابِ دهری که منکرِ ألوهیت
- ۶۰۴ تفسیر این آیه که: وَمَا خَلَقْنَا
- ۶۰۶ وحی کردنِ حق به موسی علیه السلام
- ۶۰۶ خشم کردنِ پادشاه بر ندیم و
- ۶۰۸ گفتنِ خلیل مر جبرئیل علیه السلام را
- ۶۰۹ مطالبه کردنِ موسی علیه السلام حضرت را
- ۶۱۰ بیان آن که روح حیوانی و
- ۶۱۱ مثال دیگر هم در این معنی
- ۶۱۲ حکایت آن پادشاه زاده که
- ۶۱۳ عروس آوردنِ پادشاه فرزند خود را
- ۶۱۴ اختیار کردنِ پادشاه دختر درویش
- ۶۱۵ مستجاب شدنِ دعای پادشاه

- در بیان آن که شه زاده آدمی بچه است ۶۱۶
- حکایت آن زاهد که در سال ۶۱۸
- بیان آن که مجموع عالم ۶۱۸
- قصه‌ی فرزندان عزیر علیه السلام ۶۱۹
- تفسیر این حدیث که: اِنِّی ۶۲۰
- بیان آن که عقل جزوی ۶۲۰
- بیان آن که: یا اَیُّهَا الَّذِینَ ۶۲۲
- قصه‌ی شکایت آستر با شتر ۶۲۳
- تصدیق کردن آستر جواب‌های شتر را ۶۲۴
- لا به کردن قبطی سبطی را ۶۲۵
- درخواستن قبطی دعای خیر و ۶۲۷
- حکایت آن زن پلیدکار ۶۲۹
- باقی قصه‌ی موسی علیه السلام ۶۳۰
- اطوار و منازل خلق آدمی از ابتدا ۶۳۲
- بیان آن که خلق دوزخ گرسنگانند و ۶۳۳
- رفتن ذوالقرنین به کوه قاف و ۶۳۵
- موری بر کاغذ می‌رفت ۶۳۵
- نمودن جبرئیل علیه السلام خود را ۶۳۷
- دفتر پنجم
- تفسیر «خُذْ أَرْبَعَةً مِّنْ» ۶۴۵
- در سبب ورود این حدیث ۶۴۶
- در حجره گشادن مصطفی صلی الله علیه و آله ۶۴۷
- سبب رجوع کردن آن مهمان ۶۴۸
- نواخن مصطفی صلی الله علیه و آله، آن عرب مهمان را ۶۵۰
- بیان آن که نماز و روزه و ۶۵۰
- پاک کردن آب همه پلیدی‌ها را و ۶۵۱
- استعانت آب از حق جل جلاله ۶۵۱
- گواهی فعل و قول بیرونی ۶۵۱
- در بیان آن که نور خود از ۶۵۲
- عرضه کردن مصطفی علیه السلام شهادت را ۶۵۳
- بیان آن که نور که غذای جان است ۶۵۴
- انکار اهل تن غذای روح را ۶۵۵
- حکایت ۶۵۵
- تمثیل لوح محفوظ و ادراک عقل ۶۵۵
- تمثیل روش‌های مختلف و ۶۵۶
- تفسیر یا حَسْرَةً عَلَی الْعِبَاد ۶۵۶
- سبب آن که فرجی را نام فرجی ۶۵۷
- صفت طاووس و طبع آن و ۶۵۸
- در بیان آن که لطف حق را ۶۵۹
- تفاوت عقول در اصل فطرت ۶۶۱
- حکایت آن اعرابی که سگ او ۶۶۱
- در بیان آن که هیچ چشم بدی آدمی را ۶۶۲
- تفسیر وَإِنْ یَکَادُ الَّذِینَ ۶۶۲
- قصه‌ی آن حکیم که دید طاووسی را ۶۶۴
- در بیان آن که صفا و سادگی نفس ۶۶۴
- در بیان قول رسول علیه السلام ۶۶۵
- در بیان آن که ثواب عمل عاشق ۶۶۶
- در تفسیر قول رسول علیه السلام ۶۶۶
- در بیان آن که عقل و روح در ۶۶۷
- جواب گفتن طاووس آن سایل را ۶۶۸
- بیان آن که هنرها و زیرکی‌ها و ۶۶۸
- در صفت آن بی‌خودان ۶۶۹
- در بیان آن که ما سیوی الله ۶۷۰
- سبب کشتن خلیل علیه السلام زاغ را ۶۷۲
- مناجات ۶۷۳
- قال النبی: اِرْجِعُوا ۶۷۴
- سده‌ی محبوس شدن آن آهو بچه ۶۷۵
- حکایت محمد خوارزمشاه ۶۷۵

- در بیان وخامت چرب و شیرین دنیا ۷۱۰
- جواب آن مُغفَل که ۷۱۰
- فیما یُرْجى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۷۱۱
- قصه‌ی ایاز و حجره داشتن او ۷۱۴
- بیان آن که آن چه بیان کرده می‌شود ۷۱۵
- حکمتِ نظر کردن در چارق ۷۱۶
- خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِج ۷۱۶
- در معنی این که: أَرْنَا الْأَشْيَاءَ ۷۱۸
- بیان اتحاد عاشق و معشوق ۷۱۹
- معشوقی از عاشق پرسید که ۷۲۰
- آمدن آن امیرِ نَمَام با سرهنگان ۷۲۱
- باز گشتن نَمَام از حُجره‌ی ایاز ۷۲۲
- حواله کردن پادشاه قبول و ۷۲۳
- فرمودن شاه ایاز را ۷۲۴
- تعجیل فرمودن پادشاه ایاز را ۷۲۵
- حکایت در تقریر این سخن که ۷۲۵
- در بیان کسی که سخنی گوید ۷۲۶
- حکایت در بیان توبه‌ی نصح ۷۲۸
- در بیان آن که دعای واصل و ۷۲۹
- نوبتِ جُستن رسیدن به نصح ۷۳۰
- یافته شدن گوهر و حلالی خواستن ۷۳۱
- باز خواندن شهرزاده نصح را ۷۳۲
- حکایت در بیان آن که کسی توبه کند ۷۳۲
- تشبیه کردن قطب که عارف واصل ۷۳۳
- حکایت دیدن خر هیزم فروش ۷۳۴
- نابسندیدن روباه گفتن خر را ۷۳۴
- جواب گفتن خر، روباه را ۷۳۵
- جواب گفتن روبه، خر را ۷۳۵
- جواب گفتن خر، روباه را ۷۳۵
- در تقریر معنی توکل ۷۳۵
- بقیه‌ی قصه‌ی آهو و آخورِ خُران ۶۷۷
- تفسیر اِنِّی اَرِی سَبْعَ بَقَرَاتٍ ۶۷۸
- بیان آن که کُشتن خلیل علیه‌السلام ۶۷۹
- تفسیر خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِی ۶۷۹
- تفسیر اَسْفَلَ سَافِلِینَ ۶۸۰
- مثالِ عالم هست نیست نما و ۶۸۲
- در تفسیر قول مصطفی علیه‌السلام ۶۸۳
- تفسیر وَهُوَ مَعَكُمْ ۶۸۳
- در تفسیر قول مصطفی علیه‌السلام: مَنْ ۶۸۴
- در معنی این بیت ۶۸۵
- قصه‌ی آن شخص که دعوی پیغمبری ۶۸۵
- سبب عداوت عام و بیگانه ۶۸۶
- در بیان آن که مردِ بدکار ۶۸۷
- مناجات ۶۸۸
- پرسیدن پادشاه از آن مدعی نبوت ۶۸۹
- داستان آن عاشقی که با معشوق ۶۹۰
- یکی پرسید از عالمی عارفی که ۶۹۱
- مریدی در آمد به خدمت شیخ ۶۹۱
- داستان آن کنیزک که با خر ۶۹۴
- تمثیل تلقین شیخ مریدان را ۶۹۷
- صاحب دلی دید سگِ حامله ۶۹۸
- قصه‌ی اهل ضُرّوان و حسد ایشان ۶۹۹
- بیان آن که عطای حق و قدرت ۷۰۲
- در ابتدای خلقت جسم آدم ۷۰۲
- فرستادن میکائیل را ۷۰۳
- قصه‌ی قوم یونس علیه‌السلام ۷۰۴
- فرستادن اسرافیل را علیه‌السلام ۷۰۵
- فرستادن عزرائیل ملک العزم ۷۰۶
- بیان آن که مخلوقی ۷۰۷
- جواب آمدن که: آن که نظر او ۷۰۸

- ۷۳۶ جواب دادن روبه خر را
 ۷۳۶ جواب گفتن خر، روباه را
 ۷۳۷ مثل آوردن اشتر
 ۷۳۹ فرق میان دعوت شیخ کامل و اصل و
 ۷۳۹ حکایت آن مخنث و پرسیدن لوطی
 ۷۴۰ غالب شدن حیلۀ ی روباه
 ۷۴۱ حکایت آن شخص که از ترس
 ۷۴۲ بردن روبه آن خر را پیش شیر
 ۷۴۳ در بیان آن که نقض عهد و
 ۷۴۳ دوم بار آمدن روبه بر
 ۷۴۴ جواب گفتن خر، روباه را
 ۷۴۵ جواب گفتن روبه، خر را
 ۷۴۶ حکایت شیخ محمد سرّزی غزنوی
 ۷۴۶ آمدن شیخ بعد از چندین سال
 ۷۴۸ در معنی لَوْلَاکَ لَمَّا خَلَقْتُ الْآفَلَاکَ
 ۷۴۹ رفتن آن شیخ در خانه‌ی امیری
 ۷۵۰ گریان شدن امیر از نصیحت شیخ
 ۷۵۰ اشارت آمدن از غیب به شیخ
 ۷۵۱ دانستن شیخ ضمیر سایل را
 ۷۵۱ سبب دانستن ضمیرهای خلق
 ۷۵۲ غالب شدن مکر روبه بر استعصام خر
 ۷۵۲ در بیان فضیلت احتما و جوع
 ۷۵۲ مثل
 ۷۵۳ حکایت مریدی که شیخ از حرص
 ۷۵۳ حکایت آن گاو
 ۷۵۴ صید کردن شیر آن خر را
 ۷۵۵ حکایت آن راهب
 ۷۵۶ دعوت کردم مسلمان مُغ را
 ۷۵۷ مثَلِ شیطان بر درِ رحمان
 ۷۵۸ جواب گفتن مؤمن سُنّی، کافر جبری را
 ۷۶۰ درکِ وجدانی چون اختیار و اضطرار و
 ۷۶۱ حکایت هم در بیانِ تقریرِ اختیار
 ۷۶۲ حکایت هم در جوابِ جبری
 ۷۶۳ معنی «مَا شَاءَ اللَّهُ کَانَ»
 ۷۶۴ و هم چنین «فَدُ جَفَّ الْقَلَمُ»
 ۷۶۵ حکایت آن درویش
 ۷۶۷ باز جواب گفتن آن کافرِ جبری
 ۷۶۸ پرسیدن پادشاه قاصدِ ایاز را
 ۷۷۰ گفتن خویشاوندان، مجنون را
 ۷۷۱ حکایت جُوعی که چادر پوشید و
 ۷۷۱ زنی او را بشناخت که مرد است
 ۷۷۲ فرمودن شاه به ایاز بار دگر
 ۷۷۲ حکایت کائری که گفتندش در عهد
 ۷۷۳ حکایت آن مؤدّی زشت آواز
 ۷۷۴ حکایت آن زن که گفت شوهر را
 ۷۷۶ حکایت آن امیر که غلام را
 ۷۷۷ حکایت ضیاء دلّ که سخت دراز بود
 ۷۷۸ رفتن امیر خشم آلود
 ۷۷۸ حکایت مات کردن دلّک
 ۷۷۹ انداختن معصطفی علیه السلام خود را
 ۷۸۰ جواب گفتن امیر مر آن شفیعان را
 ۷۸۰ دوم بار دست و پای امیر را
 ۷۸۱ باز جواب گفتن امیر ایشان را
 ۷۸۲ تفسیر این آیت که: «وَإِنَّ
 ۷۸۳ دگر بار استدعاء شاه از ایاز
 ۷۸۴ تمثیل تن آدمی به مهمان خانه
 ۷۸۴ حکایت آن مهمان که زین خداوند
 ۷۸۵ تمثیل فکرِ هر روزینه
 ۷۸۶ نواختن سلطان ایاز را
 ۷۸۶ وصیت کردن پدر دختر را

- ۷۸۷ وصفِ ضعیفِ دلی و سُستیِ صوفی
- ۷۸۹ نصیحتِ مبارزانِ او را
- ۷۸۹ حکایتِ عیاضی رَحِمَهُ اللهُ
- ۷۹۰ حکایتِ آن مجاهد که از همیانِ سیم
- ۷۹۱ صفتِ کردنِ مردِ غماز و
- ۷۹۲ ایثارِ کردنِ صاحبِ موصلِ آن کنیزک را
- ۷۹۴ پشیمان شدنِ آن سرلشکر
- ۷۹۵ حجتِ منکرانِ آخرت و
- ۷۹۵ آمدنِ خلیفه نزد آن خوب روی
- ۷۹۵ خنده گرفتنِ آن کنیزک را
- ۷۹۶ فاش کردنِ آن کنیزکِ آن راز را
- ۷۹۷ عزم کردنِ شاه چون واقف شد بر
- ۷۹۸ بیانِ آن که «نَحْنُ قَسَمْنَا»
- ۷۹۹ دادنِ شاه گوهر را میانِ دیوان و
- ۸۰۰ رسیدنِ گوهر از دست به دستِ آخر
- ۸۰۱ تشنیع زدنِ اُمرا بر ایاز
- ۸۰۱ قصد شاه به کشتنِ اُمرا
- ۸۰۲ تفسیرِ گفتنِ ساحرانِ فرعون را
- ۸۰۴ مُجرم دانستنِ ایاز خود را
- ۸۱۳ سؤال سائل از مرغی
- ۸۱۵ نکوهیدنِ ناموس های پوسیده را
- ۸۱۶ مناجات و پناه جُستن به حق
- ۸۱۸ حکایتِ غلامِ هندو
- ۸۱۹ صبر فرمودنِ خواجه مادرِ دختر را
- ۸۲۱ در بیانِ آن که این غرور تنها
- ۸۲۲ در عمومِ تاویلِ این آیت که «کُلُّما
- ۸۲۲ قصه ای هم در تقریرِ این
- ۸۲۳ وانمودنِ پادشاه به اُمرا و متعصّبان
- ۸۲۴ مراغه ای اُمرا آن حجت را
- ۸۲۵ حکایتِ آن صیّادی که خویشتن در گیاه
- ۸۲۶ حکایتِ آن شخص که دزدان
- ۸۲۷ مناظره ای مرغ با صیّاد در تَرُهب
- ۸۲۹ حکایتِ آن پاسبان که خاموش کرد
- ۸۲۹ حواله کردنِ مرغ گرفتاری خود را
- ۸۳۱ حکایتِ آن عاشق که شب بیامد
- ۸۳۳ استدعای امیرِ تُرکِ مخمورِ مطرب را
- ۸۳۴ درآمدنِ ضریر در خانه ای مصطفی
- ۸۳۴ امتحان کردنِ مصطفی علیه السّلام عایشه را
- ۸۳۵ حکایتِ آن مطرب که در بزمِ امیرِ ترک
- ۸۳۶ تفسیرِ قوله علیه السلام: مُوتُوا
- ۸۳۸ تشبیه مُعَفّلی که عمر ضایع کند
- ۸۳۸ نکته گفتنِ آن شاعر جهتِ طعنِ شیعه ای
- ۸۳۹ تمثیلِ مردِ حریصِ نابیننده رزّاقی
- ۸۴۰ داستانِ آن شخص که بر درِ سرایی
- ۸۴۲ قصه ای اَحَد اَحَد گشتنِ لَیال
- ۸۴۴ باز گردانیدنِ صَدیق، رضی اللهُ
- ۸۴۶ وصیت کردنِ مصطفی ﷺ صَدیق را
- ۸۴۷ خندیدنِ جهود و پنداشتن
- ۸۴۹ معاتبه ای مصطفی علیه السّلام با صَدیق
- ۸۵۰ قصه ای هِلّال که بنده ای مخلص بود
- ۸۵۰ حکایت در تقریرِ همین سخن
- ۸۵۱ مَثَل
- ۸۵۲ رنجور شدنِ این هِلّال و
- ۸۵۳ در آمدنِ مصطفی علیه السّلام از
- ۸۵۴ داستانِ آن عجززه که روی زشت
- ۸۵۵ داستانِ آن درویش که آن گیلانی را
- ۸۵۵ صفتِ آن عجزوز

دفتر ششم

- قصه‌ی درویش که از خانه ۸۵۶
 رجوع به داستان آن کمپیر ۸۵۶
 حکایت آن رنجور که طبیب در ۸۵۷
 رجوع به قصه‌ی رنجور ۸۵۸
 قصه‌ی سلطان محمود و غلام هندو ۸۶۰
 لَيْسَ لِلْمَاضِيْنَ هُمْ الْمَوْتِ ۸۶۳
 بار دیگر رجوع کردن به قصه‌ی صوفی و ۸۶۴
 طیره شدن قاضی از سبلی درویش ۸۶۷
 جواب دادن قاضی صوفی را ۸۶۷
 سؤال کردن آن صوفی قاضی را ۸۶۸
 جواب گفتن آن قاضی صوفی را ۸۶۸
 باز سؤال کردن صوفی از آن قاضی ۸۶۹
 جواب قاضی سؤال صوفی را ۸۷۰
 قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ ۸۷۰
 دعوی کردن تُرک و گِرو بستن ۸۷۱
 مضاحک گفتن درزی و تُرک را ۸۷۱
 گفتن درزی تُرک را هُی خاموش ۸۷۲
 بیان آن که بیکاران و افسانه جویان ۸۷۲
 مَثَل ۸۷۳
 باز مکرر کردن صوفی سؤال را ۸۷۳
 جواب دادن قاضی صوفی را ۸۷۴
 حکایت در تقریر آن که ۸۷۴
 مَثَل ۸۷۵
 باقی قصه‌ی فقیر روزی طلب ۸۷۷
 قصه‌ی آن گنج نامه ۸۷۹
 تمامی قصه‌ی آن فقیر و ۸۸۰
 فاش شدن خبر این گنج و ۸۸۱
 نوید شدن آن پادشاه از یافتن ۸۸۱
 باز دادن شاه گنج نامه را ۸۸۲
 حکایت مرید شیخ حسن خرقانی قَدَس ... ۸۸۴
 پرسیدن آن وارد از حرم شیخ ۸۸۵
 جواب گفتن مرید و زجر کردن ۸۸۵
 واگشتن مرید از وثاق شیخ و ۸۸۷
 یافتن مُرید مُراد را و ۸۸۷
 حکمت در «إِنِّي جَاعِلٌ ۸۸۸
 معجزه‌ی هُرد علیه السّلام ۸۸۹
 رجوع کردن به قصه‌ی قُبّه و گنج ۸۹۲
 انابت آن طالب گنج به حق تعالی ۸۹۳
 آواز دادن هاتف مر طالب گنج و ۸۹۵
 حکایت آن سه مسافر مسلمان و ۸۹۶
 حکایت اشتر و گاو و قوچ ۸۹۹
 مَثَل ۸۹۹
 جواب گفتن مسلمان ۹۰۰
 مُنادی کردن سَيِّد مَلِك تَرِمِد ۹۰۱
 حکایت تعلّق موش با چغز و ۹۰۵
 تدبیر کردن موش به چغز ۹۰۶
 مبالغه کردن موش در لایه و ۹۰۷
 لایه کردن موش مر چغز را ۹۰۸
 حکایت شب دزدان که سلطان محمود ۹۱۲
 قصه‌ی آن گاوِ بحری گوه ۹۱۵
 رجوع کردن به قصه‌ی طلب کردن آن موش ۹۱۶
 قصه‌ی عَبْدُ الْقَوْتُ و ربودن ۹۱۷
 داستان آن مرد که وظیفه‌ای داشت ۹۱۹
 آمدن جعفر رضی الله عنه ۹۱۹
 رجوع کردن به حکایت آن شخص ۹۲۲
 باخبر شدن آن غریب از وفات ۹۲۳
 توزیع کردن پای مرد در جمله‌ی شهر ۹۲۷
 دیدن خوارزمشاه رَحِمَهُ اللَّهُ ۹۳۰
 مؤاخذه یوسف صَدِيقِ ﷺ به حبس ۹۳۲
 رجوع کردن به قصه‌ی آن پای مرد ۹۳۶

- ۹۷۷ در بیان آن که دوزخ گوید که
 ۹۷۸ متوفی شدن بزرگین از شهزادگان و
 ۹۸۲ وسوسه‌ای که پادشاه زاده را
 ۹۸۴ خطاب حق تعالی به عزرائیل
 ۹۸۴ کرامات شیخ شیبان راعی
 ۹۸۵ رجوع کردن به قصه‌ی حق تعالی نمرود را ..
 رجوع کردن بدان قصه که شاهزاده زخم
 ۹۸۶ خورد
 ۹۸۷ وصیت کردن آن شخص که: بعد از من ..
 ۹۸۸ مثل
 ۹۸۸ خاتمه یولد الکامل
- ۹۳۷ گفتن خواجه در خواب
 ۹۳۹ حکایت آن پادشاه و وصیت کردن
 ۹۳۹ بیان استمداد عارف از سرچشمه‌ی حیات ..
 ۹۴۱ روان شدن شه زادگان در ممالک پدر
 ۹۴۳ رفتن پسران سلطان
 ۹۴۳ آن قلعه‌ی ممنوع عنه
 ۹۴۵ دیدن ایشان در قصر
 ۹۴۷ حکایت صدر جهان بخارا
 ۹۴۹ حکایت آن دو برادر
 ۹۵۰ در تفسیر این خبر که مصطفی صلوات الله علیه
 ۹۵۱ مقاتل برادر بزرگین
 ۹۵۱ ذکر آن پادشاه که آن دانشمند
 ۹۵۴ روان گشتن شاهزادگان
 ۹۵۴ حکایت امرء القیس
 ۹۵۷ بعد مکث ایشان متواری در
 ۹۶۱ بیان مجاهد که دیت از
 ۹۶۲ حکایت آن شخص که خواب دید که
 ۹۶۳ سبب تأخیر اجابت دعای مؤمن
 ۹۶۳ رجوع کردن به قصه‌ی آن شخص
 ۹۶۴ رسیدن آن شخص به مصر و
 ۹۶۵ بیان این خبر که: «الکذب»
 ۹۶۷ مثل
 ۹۶۷ بازگشتن آن شخص شادمان
 ۹۶۹ مکرر کردن برادران پند دادن
 ۹۷۱ مفتون شدن قاضی بر زن جوحی و
 ۹۷۲ رفتن قاضی به خانه زن جوحی و
 ۹۷۴ آمدن نایب قاضی میان بازار و
 ۹۷۴ در تفسیر این خبر که مصطفی صلوات الله علیه
 ۹۷۵ باز آمدن زن جوحی
 ۹۷۶ باز آمدن به شرح قصه‌ی شاه زاده و

زندگی نامه و شرح حال مولانا

مولانا جلال الدین محمد بلخی مشهور به «مولوی» در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴۵ هـ ق در بلخ به دنیا آمد. پدرش بهاءالدین ولد ملقب به «سلطان العلماء» که فقیه و واعظی خوش بیان بود و به صوفیه گری گرایش داشت.

پدرش به خاطر انتقادهای تندى که در مجالس وعظ از پادشاهان خوارزمشاه مى کرد و همچنین با حمله قریب الوقوع مغول ها به سرزمین بلخ، به همراه بقیه دوستان و نزدیکان مجبور به ترک دیار شد.

پدرش در خانه به طور مداوم نام «الله» را جاری می ساخت به طوری که فضای خانه همیشه از ذکر «الله» معطر بود. در سن پنج سالگی آثار صورت های معنوی و اشکال غیبی در او نمایان شد و با بال خیال تا اعماق آسمان ها به دنبال ملائکه پرواز می نمود.

مولانا بر خلاف سایر هم سن و سالان خود، از خوردن غذاهای چرب و لذیذ امتناع می نمود و بیشتر اوقات خود را به ذکر و تفحص در قرآن می کرد.

کاروان پدرش پس از ترک بلخ وارد نیشابور شد. مولانا در شهر نیشابور موفق به دیدار عطار نیشابوری شد و عطار او را مورد نوازش قرار داد و در او آثار نورانی را مشاهده نمود. از این رو نسخه ای از «اسرار نامه» خود را تقدیم مولانا کرد که مولانا در طول مسیر بعد از نیشابور آن را مطالعه نمود. سن او در این ایام ۱۳ سال بود.

کاروان آنها بعد از گذشتن از شهرهای مختلف وارد بغداد شدند. در بغداد به پیشنهاد یکی از شیخ الشیوخ منطقه به روم رفتند و بعد از آن وارد قونیه شدند. مولوی در این ایام ۲۲ سال سن داشت و مجالس وعظ و منبر او هر روز شور و حرارتی بیشتر پیدا می کرد.

در سال ۶۲۸ هـ ق پدرش در سن ۸۳ سالگی در گذشت. فوت پدر برای او خیلی دردناک بود این در حالی بود که او نه تنها پدر، بلکه استاد و همراز خود را از دست داده بود.

مولونا به پیشنهاد برهان الدین و برای ادامه تحصیل و آموختن علوم به مدت هفت سال به شام رفت. مولوی پس از تحصیل فقه و ادب و لغت و تفسیر در شهرهای حلب و دمشق به قونیه بازگشت.

مولوی در سن سی و سه سالگی یک مفتی و فقیه و واعظ کامل و مشهور شده بود و بخشی از اوقات خود را صرف ریاضت و چله نشینی و ذکر دائم «الله» می نمود.

مولانا مثنوی معنوی خود را به سفارش حسام الدین چلبی شروع کرد و تصمیم گرفت که مثنوی را در شش دفتر به پایان برساند. مولانا مثنوی را به مدت دوازده سال به استثنای وقفه‌ی دو ساله‌ای که پس از اتمام دفتر دوم پیش آمد با کمک حسام الدین چلبی که نوشتن آن را بر عهده داشت به اتمام رساند.

مولانا در جمادی الاخر به سال ۶۷۲ هـ ق در قونیه چشم از جهان فرو بست و جسدش را در کنار تربت پدرش که موسوم به «باغ سلطان» است دفن کردند. بنایی هم به نام قبه خضراء بر روی تربت او ساختند و آنجا آرامگاه خانوادگی آنها شد.

آخرین غزلی که مولانا در بستر بیماری سروده و گویا مخاطب او سلطان ولد، فرزند اول مولوی بوده، چنین است:

رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن	ترک من خراب شبگرد مبتلا کن
ماییم و موج سودا شب تا به روز تنها	خواهی بیا ببخشا خواهی برو جفا کن
از من گریز تا تو هم در بلا نیفتی	بگزین ره سلامت ترک ره بلا کن
ماییم و آب دیده در کنج غم خزیده	بر آب دیده‌ی ما صد جای آسیا کن
خیره کشی ست ما را دارد دلی چو خارا	بکشد کسش نگوید تدبیر خونبها کن
بر شاه خوب رویان واجب وفا نباشد	پس من چگونه گویم کین درد را دوا کن
در خواب دوش پیری در کوی عشق دیدم	با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن
گراژدهاست بر ره عشق است چون زمرد	از برق این زمرد هین دفع ازدها کن

بس کن که بی خودم من ور تو هنر فزایی

تاریخ بوعلی گو تنبیه بوالعلا کن

آثار جلال الدین محمد بلخی

۱. مثنوی معنوی در شش دفتر شامل ۲۵۶۳۲ بیت می‌باشد.
 ۲. دیوان شمس (دیوان کبیر) مشتمل بر ۴۲۰۰۰ بیت در قالب غزل و قصیده و قطعه و رباعی.
 ۳. مجالس سبعه (هفت مجلس).
 ۴. فیه ما فیه، کتابی به نثر ساده که در مجالس برای شاگردان تدریس می‌شد.
 ۵. مکتوبات، مجموعه‌ای از نامه‌های مولانا.
- تشکر —————
با